خبر

راز احمد فاش شد

پیکر حاج احمد متوسلیان در تهران است؟

از اولین روزهای تیرماه هر سال دغدغه من این بود که امسال چه خبری از حاج احمد خواهم شنید تا اینکه امسال تصمیم گرفتم خبری که قرار است رسانه‌ای و دست اول باشد را خودم تهیه کنم؛ به همین دلیل به سراغ حمید داودآبادی رفتم تا ناگفته‌هایی را که از سال‌ها تحقیق و جست و جو در مورد سرنوشت حاج احمد متوسلیان و همراهانش به دست آورده است را بشنوم. می‌دانستم که این حرف‌ها را به هیچ رسانه‌ای نزده و حتی در بخشی از کتاب جدیدالانتشار «راز احمد» هم آنها را سانسور کرده است، متقاعد کردن او به گفت و گو سخت بود چراکه تصمیم گرفته بود تا دیگر در سالروز ربوده شدن حاج احمد سخنی نگوید و تنها به ابراز دلتنگی در چند پست اینستاگرام اکتفا کند. هنوز خرداد به پایان نرسیده بود که توانستم یک گفت و گوی جنجالی با او بگیرم، حرف‌هایی که حتی در کتاب‌هایش هم ننوشته بود را در مصاحبه گفت و اجازه انتشار تمام مصاحبه را هم داد، خواستم تا در روزهای سیزدهم و چهاردهم تیرماه این مطلب را منتشر کنم اما به دلیل جو روانی ایجاد شده بر اثر سوءبرداشت هایی از یک یادداشت مطالبه گری تصمیم گرفتم یکی دو روز بعد این اطلاعات را در اختیار مخاطب بگذارم.

در ادامه می‌توانید این گفت‌وگوی بی پرده را بخوانید و مطالبی را ببینید که تا به الان از طریق هیچ رسانه‌ای منتشر نشده است.

چه شد به موضوع حاج احمد و سرگذشت او علاقه‌مند شدید؟

داودآبادی: من از سال ۷۳ تقریباً پیگیر این موضوع شدم. آن زمان خبرنگار نشریه فرهنگ آفرینش بودم. وقتی در عرصه مطبوعات به شکل رسمی وارد شدم دیگر دستم باز بود. من در آنجا بسیار فضا را باز دیدم و به همین خاطر شروع به نوشتن درباره حاج احمد کردم. تا سال ۷۲ اسم آوردن و سوال پرسیدن درباره حاج احمد و سه دیپلمات مانند یک قانون نانوشته ممنوع بود. کسی حق نداشت درباره‌شان چیزی بگوید یا سوالی بپرسد. پیش از آن سال‌ها من تجربه سفر به لبنان را داشتم و به همین خاطر دلم می‌خواست باز هم بروم درباره این موضوع تحقیق کنیم. رفتم و تحقیق کردم. در همان نشریه برخی مطالبم منتشر می‌شد. آنجا با حسین بهزاد آشنا شدم که شدیداً پیگیر و دنبال داستان حاج احمد بود.تا اینکه سال ۷۴ که رفتم لبنان؛ همیشه حس می‌کردم وقتی در لبنان سوال می‌پرسیدم حاج احمد چه شد پاسخ به آن بسیار طول می‌کشد. وقتی به لبنان رفتم دیدم می‌شود سوال‌های بیشتری از آدم‌های بیشتر پرسید. هر بار که می‌رفتم، نشانی جدید و حرفی جدید داشت. به تهران که بر می‌گشتم راحت نبود که درباره این موضوع مطلب نوشت. کم کم موضوع نوشتن درباره حاج احمد برایم به دغدغه تبدیل شد، تا اینکه سال ۸۵ کتاب کمین جولای منتشر شد. در ایران و لبنان اخبار و هر آنچه که درباره این چند نفر منتشر شده بود را جمع آوری و به یک روزشمار تبدیل کردم.

ته داستان چیست؟ ته داستان این است که هر ۴ نفر آن‌ها شهید شده‌اند.

در همان جلسه آقای رائد موسوی گفت اگر ما یک درصد هم احتمال زنده بودن این ۴ نفر را بدهیم باید پیگیری کنیم. اینکه می‌گوید حتی یک درصد یعنی چه؟ یعنی تمام است داستان.

یعنی حتی رائد موسوی هم می‌دانست؟

بله. همسر سید محسن موسوی در برنامه ماه رمضان، در کانال پنج تلویزیون وقتی مجری از او پرسید حالا در نهایت این افراد زنده هستند یا نه؟ گفت: قطعاً زنده هستند، مگر قرآن نگفته است و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا. این سخن یعنی چه؟ اگر زنده هستند چرا این آیه قرآن را به کار می‌بردید. من اینها را کنار یکدیگر می چینم.

یعنی پیکر را نیاوردند یا آوردند و کسی اطلاع ندارد؟

شاید آورده باشند ولی کسی نمی‌داند. شاید هم پیکرها را تا امروز نگه داشته‌اند. شهید سلیمانی در ۲۴ اسفند ۹۷ از من پرسید: تو به چه چیزی در این پرونده رسیدی؟ گفتم من به چیز بدی رسیدم. گفت چی؟ گفتم پیکر حاج احمد تهران است. لبخندی زد و به من گفت: نه. هر چهارتایشان تهران هستند. جا خوردم. گفتم: یعنی چی سردار؟ من فقط برای وجود حاج احمد دلیل دارم. سردار پاسخ داد قطعاً هر ۴ نفر همان شب به شهادت رسیده‌اند. در ادامه گفت ما چند وقت پیش (اشاره‌ای به زمان دقیقش نداشت) تبادلی با قوات اللبنانیه داشتیم، از آن جایی که می‌گفتند که پیکرشان را دفن کردند؛ پیکرها را به ما دادند. اکنون هم پیکرها طبق نظر شما تهران است. البته پیکری هم نیست و یک مشت استخوان هستند. همچنین سردار شهید گفت: ظاهراً می‌گویند دی ان ای آن‌ها همخوانی ندارد اما پیکرها همچنان هستند.

شما از چه مقطعی به این نتیجه رسیدید که حاج احمد شهید شده است؟

تقریباً از سال‌های ۸۰ و ۸۱

ولی شما حتی پس از آن هم در کتاب‌هایتان به شکلی قلم زده‌اید که حاج احمد زنده است!

نه. من همه جا به این متهم می‌شوم که در صورت شهادت این افراد چه سودی می بری؟ من هیچ امیدی به زنده بودن آن‌ها ندادم.

فکر می‌کنید راز احمد قرار است چه کاری در این پرونده انجام دهد؟

هیچ تغییری نخواهد داد. ۳۷ سال است که وزارت خارجه بیانیه می‌دهد و من در کتاب نوشتم که از این بیانیه‌های تکراری خسته نشدید؟ گفتم آقای محسن رضایی و فلانی شما ۳-۲ سال پیش بیان کردید زنده هستند، چطور شد؟ چه شد؟ اصلاً برای هیچکدام اهمیت ندارد. یکی از سیاست‌های بدی که در جمهوری اسلامی باب شده این است که خود را به آن راه بزنید، جواب ندهید. اگر جواب بدهید در رینگ می آیید.مجبور هستید درگیر شوید. وقتی جواب ندهید روی خود را آن طرف کنید و رد شوید. هیچکس هم نمی‌گوید آقای نماینده مجلس که ۶ سال پیش گفتید اطلاعات دقیق داریم که حاج احمد دو ماه پیش در زندان اسرائیل بوده است، اسناد و مدارک بیاورید. می‌گویند این محرمانه است و نمی‌توانیم بیان کنیم. چه چیزی محرمانه است؟ یکی در مجلس یقه این نماینده را نگرفت که این دروغ را چرا اعلام کردید؟

خودتان وقتی کتاب را می‌خوانید چه حسی دارید؟

به آرامش رسیدم. خیلی به آرامش رسیدم. اگر بدانید سر چاپ شدن این کتاب چقدر دغدغه و مشکل داشتم، آن قدر به آرامش رسیدم که نمی‌توانم بیان کنم.

به غیر از این موضوع شهید دیگری است که درباره آن بنویسید و تاکنون موفق نشدید؟

خیر. گفتم این گل سر سبد ۴۰ کتاب من است.

بخاطر حاج احمد بودن آن است؟

همه عشقم را که به حاج احمد داشتم، همه دغدغه‌ای که درباره حاج احمد داشتم و همه هنر نویسندگی خود را در این کتاب خرج کردم. من موقعی که خواستم این کتاب را شروع کنم یک شب خواب حاج احمد را دیدم. خواب دیدم یک جایی شبیه به پادگان دوکوهه بود. حاج احمد آنجا ایستاده بود، من از کنار او رفتم و در چشم‌های او نگاه کردم. آن قدر شیفته این نگاه شدم. در مقدمه ابتدایی این را بیان کردم.

دلداری شوپنهاور به فحش‌خورده‌ها و دشمنی با مرام شوالیه‌ها

آرتور شوپنهاور فیلسوف شکاک و بدبین که یکی از فلاسفه مهم ایدئالیسم آلمانی محسوب می‌شود، دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌هایی داشته که توسط فرانکو وولپی فیلسوف و پژوهشگر ایتالیایی، گردآوری، تصحیح و منتشر شدند. این‌آثار در قالب یک‌مجموعه ۸ جلدی چاپ شدند که به مجموعه هنرهای شوپنهاور معروف است و ترجمه ۶ عنوان فارسی‌شان هم به‌قلم علی عبداللهی توسط نشر مرکز به چاپ رسیده است.ما هم پرونده‌ای برای بررسی نوشته‌های شوپنهاور در این‌کتاب‌ها باز کردیم که دربرگیرنده یادداشت‌ها و آموزه‌های عملی و کاربردی شوپنهاور یا به قول خودش عینی درباره موضوعاتی هستند که به آن‌ها پرداخته است.

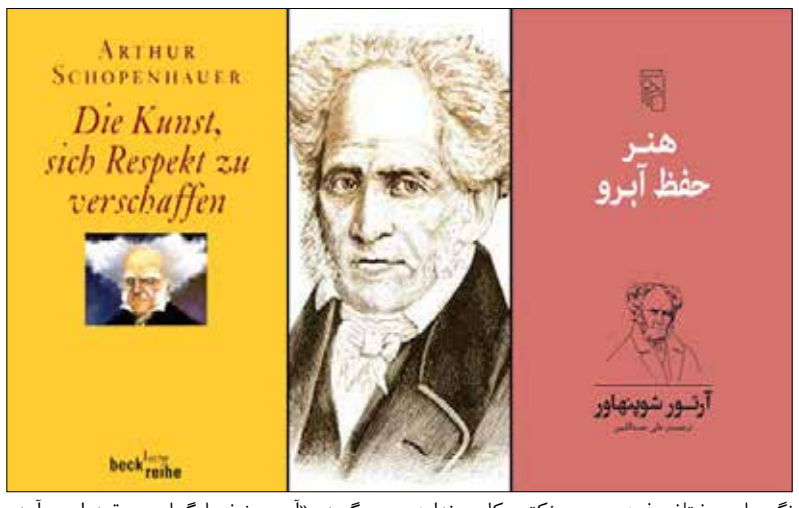

* ۰- مقدمه

نام اصلی این‌کتاب، «هنر کسب احترام» است که به صلاح‌دید مترجم و ناشر ایرانی با نام «هنر حفظ آبرو» چاپ شده است. زبان این‌رساله، نسبت به «هنر رفتار با زنان»، «هنر خوشبختی»، «هنر خودشناسی» و «هنر زنده‌ماندن» که تا به حال خوانده‌ایم، سخت‌خوان‌تر و کمی ثقیل‌تر است. علی عبداللهی هم در مقام مترجم درباره این‌کتاب توضیح داده که متن این‌رساله توسط وولپی بدون هیچ‌تغییری در املا، شیوه نوشتاری و نشانه‌گذاری چاپ شده و مربوط به ۲۰۰ سال پیش است. این‌متن همچنین پر از ارجاعات تاریخی و فلسفی به کتاب‌ها و آثار دیگران است.

یکی از مسائل و مفاهیم مهمی که شوپنهاور نیمی از رساله «هنر حفظ آبرو»ی خود را به آن اختصاص داده، آبروی شهسواری یا شوالیه‌گری است. این‌گونه از آبرو در سال‌های قرون وسطی و استیلای نظام‌های فئودالی در کشورهای مختلف اروپا رواج زیادی داشت و طبق آن، به بهانه حفظ شرافت و آبرو، خون‌های زیادی ریخته شد. شوپنهاور همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، با این‌گونه از آبرو دشمنی سختی دارد و به‌گونه‌های مختلف مثل زبان جدی و شوخی آن را مورد حمله قرار می‌دهد.

بنابراین، همان‌طور که خواهیم دید شوپنهاور در رساله «هنر حفظ آبرو» دو موضوع و مفهوم مهم را از یکدیگر تمایز داده و به آن‌ها می‌پردازد: اول؛ آبرو و حیثیت به‌معنای عقیده‌ای که دیگران درباره ما دارند و او تبصره‌های مختلفش را در این‌باره بیان می‌کند و دوم؛ آبرو و شرافت شهسواران که از نظر او یک آبروی خیالی و پوشالی است و اصلا آبرو محسوب نمی‌شود.

* ۱- بدنه فصل اول رساله درباره ذات آبرو

شوپنهاور در پیشگفتار بسیار کوتاهش بر این‌رساله می‌گوید تا جایی که می‌داند، نه در زبان آلمانی و نه حتی هیچ‌زبان زنده دیگر، در باب معنی آبرو هیچ‌نوشتاری در دسترس نیست و ابراز شگفتی هم کرده که با وجود قلمفرسایی بزرگان اندیشه درباره مسائل بی‌اهمیت، به‌چنین مساله‌ای پرداخته نشده است. او در صفحه ۵۳ این‌کتاب (نسخه ترجمه) یعنی در فصل دوم که مشغول تشریح بحث آبروی شهسواری است، می‌گوید با نگره‌های مختلف ذهنی و سوبژکتیو کاری ندارد زیرا آبرو را امری عینی می‌داند. فرانکو وولپی هم در پیش‌درآمدی که برای این‌کتاب نوشته، ضمن صحبت از علاقه شوپنهاور به حکمت زندگی، (مانند تاکیدش در دیگر کتاب‌های مجموعه هنرهای شوپنهاور) دوباره تکرار کرده که شوپنهاور در این‌رساله (هنر حفظ آبرو) مانند دیگر آثار و نوشته‌هایش، به‌جای این که صرفا خواسته باشد پژوهشی نظری و استادمحور ارائه دهد، سعی کرده دیدگاهی کاربردی و عینی یا مخاطب‌محور ارائه کند.

فیلسوف مورد نظر در قاعده یکم رساله «هنر حفظ آبرو»، این‌مفهوم را این‌گونه تعریف می‌کند که آبرو، عقیده دیگران است درباره ما و طبق همین‌تعریف می‌توان آبرو را نماینده ارزش ما در ذهن و اندیشه دیگران دانست. او در قاعده دوم این‌نکته را هم توضیح داده که عقاید و نظرات دیگران درباره ما، تا کجا مهم نیست و علی‌السویه است؛ تا آن‌جا که این‌اندیشه‌ها و نظرات، بیرون از ذهن بر ما تاثیر نگذارند. او در قاعده چهارم ضمن این‌که دوباره آبرو را «عقیده آنها نسبت به من» تعریف می‌کند، به این‌مساله اشاره دارد که عقیده دیگران درباره «من»، صرفا از رهگذر تاثیری که بر من می‌گذارد، واجد ارزش است.

۱-۱ تفاوت آبرو و شهرت

مولف کتاب «هنر حفظ آبرو» در سومین قاعده فصل اول کتاب، بین دو مفهوم آبرو و شهرت تمایز قائل شده و شهرت را برآیند کارایی و کارستان‌ها (دستاوردها)ی فوق‌العاده هر فرد می‌داند که یا شامل کارها هستند یا آثار آن‌فرد. در قاعده پنجم هم ضمن اشاره به سلبی‌بودن ماهیت آبرو، آن را از شهرت که ماهیتی ایجابی دارد، جدا می‌کند. نظر شوپنهاور این است که برای کسب شهرت، انسان باید در وهله اول، آن را به دست آورده و حاصلش کند و کسی که شهرت ندارد، نه‌تنها آن را از دست نداده بلکه حاصل هم نکرده است. اما آبرو به‌عکس، امری بدیهی است و کسی که واجد آن نیست، آن را از دست داده است. او در تشریح بیشتر همین‌بحث در قاعده پنجم می‌گوید: «آبرو مشخصا گمان و عقیده‌ای برآمده از خصلت‌های واقعی خاص خود ما نیست، بلکه ناشی از قاعده‌ای است مبنی بر این‌که دیگران توقع دارند فلان خصلت‌ها در ما وجود داشته باشد و ما از آن عاری نباشیم. آبرو یا گمان دیگران نسبت به ما فقط گویای این است که ما به هیچ‌وجه استثنا نیستیم؛ در حالی که شهرت مبین این‌نکته است که ما استثنا هستیم.» (صفحه ۲۸)

۲-۱ انواع آبرو ــ شهروندی، اداری و جنسی

در بحث بیان گونه‌های مختلف آبرو، شوپنهاور از ۳ گونه اصلی شهروندی، اداری و جنسی صحبت کرده و البته گونه‌های دیگری را هم لابه‌لای توضیحات خود برشمرده است. نکته جالبی که در قلم شوپنهاور در این‌زمینه وجود دارد، توجه او به جنس مرد در مسائل اجتماعی است که در ادامه همان‌مسائلی که در دیگر رساله‌های هنرهای او اشاره کرده‌ایم، قرار دارد. او در تبیین بحث خود در این‌باره می‌نویسد «آبروی شهروندی یک‌مرد...» و نمی‌نویسد «آبروی فرد» یا «آبروی یک انسان». بنابراین همان‌طور که می‌دانیم، پیش‌فرض‌اش برای طرح مسائل عقلی و اجتماعی، اشاره‌کردن به مردان است.

در بحث آبروی جنسی زنانه و مردانه، شوپنهاور نظر اخلاقی جالبی دارد که برمبنای آن خیانت را موجب از بین‌رفتن آرامش جنس زن می‌داند. همبالینی با فردی غیر از همسر شرعی و قانونی را هم با فعل ارتکاب بیان می‌کند. یعنی آن را کاری نکوهیده و بد می‌داند. او می‌گوید هر دوشیزه‌ای که مرتکب همبالینی خارج از چارچوب ازدواج شود، به تمامیت جنس خود خیانت کرده است؛ «زیرا با همگانی‌شدن این رویه ناپسند، رفاه و آرامش جنس زن نابود می‌شود...» (صفحه ۳۶) در ادامه همین‌بحث، شوپنهاور، زن زناکار را همسنگ همین‌دوشیزه خلافکار می‌داند و می‌گوید زن زناکار، به‌دلیل عهدشکنیِ خشن و فریبکاری در اعمالش، همزمان با از میان رفتن آبروی جنسی، آبروی شهروندی‌اش را هم از دست می‌دهد. در بحث خیانت و ارتباطش با آبروی مردانه هم معتقد است آبروی مرد ایجاب می‌کند زنای همسر خود را مجازات کند و با جدایی یا اقدامات دیگر، انتقام بگیرد. اگر هم به‌طور آگاهانه این‌خیانت را تحمل کند، جمع مردان به او مُهر رسوایی خواهند زد. شوپنهاور ضمن تاکید دوباره بر این‌مساله که آبروی ما را فقط، کنش‌ها و نهش‌های خودمان حفظ می‌کند و نه کار نارواییِ که از ناحیه غیر یا دیگری بر ما وارد شده؛ نجات آبروی مردانه را (که توسط زنش لکه‌دار شده) در گروی مجازات زن می‌داند. بنابراین، به‌طور خلاصه، از نظر شوپنهاور زنای زن به‌طور مستقیم باعث رسوایی مرد نیست بلکه تساهل و چشم‌پوشی از آن است که باعث ننگ مرد می‌شود.

آبروی ملی هم از جمله گونه‌های آبروست که شوپنهاور به آن اشاره‌ای کرده و می‌گوید از یک‌سو مثل آبروی شهروندی و از سوی دیگر مثل آبروی شهسواری و شوالیه‌گری است. از نظر او این‌گونه‌آبرو را فقط می‌توان در رابطه با دولت‌ها توجیه و بررسی کرد زیرا هیچ تکیه‌گاه دیگری ندارد.

۱-۳ تنها بدیِ آبرو

نزد شوپنهاور، آبرو مفهوم خوب و مثبتی است و تنها نکته منفی آن، درباره آبروی جمعی بشر است. یعنی در حالی‌که لکه‌های ننگ هر آبروی فردی با مرگ او شسته شده و از میان می‌رود، لکه‌های ننگ نشسته بر دامن آبروی بشریت همیشه به جا می‌مانند. او این‌لکه‌های ننگ بشری را مواردی مثل اعدام سقراط، تصلیب مسیح، قتل هنری چهارم، بساط تفتیش عقاید و تجارت بردگان می‌داند. در همین‌زمینه بد نیست توجه و تذکری هم داشته باشیم. چون شوپنهاور تصلیب مسیح را یک بی‌آبرویی برای بشریت دانسته است. این‌عقیده‌اش هم فارغ از دعواهای مسیحی-یهودی و موضوعات دینی است. جالب است که شوپنهاور کشتن مسیح را بی‌آبرویی می‌داند اما با مسیحیت مشکل دارد. نتیجه‌ای که نگارنده از این‌نظر او و دیگر نوشته‌هایش می‌گیرد این است که شوپنهاور ظاهرا با مسیحیت درست‌آیین مشکلی نداشته و بیشترین مساله‌اش با مسیحیت قرون وسطایی و دستگاه حکومتی کلیسای کاتولیک بوده که بساط تفتیش عقاید را در آن‌دوران به پا کرد. در این‌زمینه مطالب دیگری هم برای ارائه وجود دارد که در بخش بعدی یعنی بررسی فرازهایی که شوپنهاور به آبروی شهسواری می‌تازد، می‌پردازیم.

* ۲- حمله به آبروی شهسواری

موضوع کلی فصل دوم رساله «هنر حفظ آبرو» حمله شوپنهاور به آبروی شهسواری یا همان مرام شوالیه‌گری است. مطالبی که تا این‌جا به آن‌ها پرداختیم، درباره فصل اول «در باب آبرو و حقیقت» بودند اما در فصل دوم یعنی «گذار از آبرو به توهم»، شوپنهاور مرام شوالیه‌گری را با زبان جدی و شوخی و کنایه به باد انتقاد گرفته و با مسیحیت قرون وسطایی هم دشمنی می‌کند چون ریشه شوالیه‌گری را در آن می‌داند. شوپنهاور می‌گوید آبروی یک مرد شهسوار، بر آن‌چه می‌کند مبتنی نیست بلکه بر آن چیزی استوار است که از آن رنج می‌برد و با آن در ستیز است. او در حالی‌که پیش‌تر تاکید کرده، دوباره بر این‌نکته تاکید دارد که آبروی هرکس وابسته به چیزی است که خودش می‌گوید یا می‌کند اما آبروی شهسواری به‌عکس، بسته به این است که فلان‌فرد در موردمان چه گفت یا چه کرد. شوپنهاور معتقد است «این‌گونه آبرو، در دست دیگری یا نوک زبان دیگری قرار دارد.»

۲-۱ دشمنی با مسیحیت کاتولیک

اما در زمینه دشمنی با مسیحیت کاتولیک و کشیش‌ها، شوپنهاور کشیشان را تاریک‌مردان می‌خواند که هیچ‌وقت به روشنی دوران معاصر او، فیلسوفان نمی‌توانستند وجود این‌تاریک‌مردان را ثابت کنند. او با اشاره به این‌که جان (روح و فرهنگ) از آن فلسفه است، می‌گوید کشیشان، اوهام و تصورات واهی را به‌جای فلسفه می‌فروشند و در فراز دیگری از این‌رساله، در حالی‌که تمام یسوعیان و کشیشان را از هر نوع که هستند، تاریک‌فکر می‌خواند، می‌گوید قدرت آن‌ها روزبه‌روز در حال کاهش است و به واقع هم درست گفته چون همان‌طور که اشاره کردیم، شوپنهاور در قرنی زندگی می‌کرد که اروپا در مسیر اهمیت‌دادن به علم و کم‌محل‌کردن دین بود. خلاصه این‌که شوپنهاور با جانبداری از فلسفه و عقل، معتقد است باقیمانده نیروی اصلی تاریک‌اندیشان، در اسپانیا (که زمانی کانون تفتیش عقاید بوده) جمع شده‌اند و نویده رسالت می‌دهند اما با ناامیدی مشغول دفاع از خود هستند.

۲-۲ دلداری شوپنهاور به فحش خورده‌ها

در بخشی از فصل دوم رساله «هنر حفظ آبرو» شوپنهاور به ناسزاگویی و درگیری‌های ناشی از آن می‌پردازد که به دوئل یا بکش‌بکش منجر می‌شوند. در آبروی شهسواری، اگر کسی ناسزایی بگوید یعنی هرگونه صفت بدی به طرف مقابل نسبت دهد، مردم این‌رفتار ناسزاگو را عجالتا داوری عینی، فتوا یا دستور رایج تلقی می‌کنند که چنان‌چه با خون شسته نشود، همچنان حقیقی و معتبر می‌ماند. او در ادامه این‌بحث دوباره با به‌کارگیری صنعت کنایه، موضوع درشتی و درشت‌خویی را پیش می‌کشد و می‌گوید می‌توانیم با توسل به درشتی، برتری حریف و طبعا بلاهت و خنگی برملاشده خود را از میان برداریم و حتی برعکس بر او چیره هم شویم. زیرا درشت‌گویی برتر از هر استدلالی است و بر هر استدلالی فائق می‌آید.

یکی از جمع‌بندی‌های شوپنهاور در این‌بحث، چنین است که این‌دید و نظر که «پاسخ سیلی خنجر است» یا به قول ما ایرانی‌ها «پاسخ کلوخ‌انداز، سنگ است» یک خرافه شهسوارانه بیشتر نیست و چنین‌دیدگاهی، مساله خشم است نه مساله مربوط به آبرو یا وظیفه. در کل، طبیعت حیوانی است که باعث و بانی آبروی شهسواری یا برآشفتن به خاطر یک‌ناسزا می‌شود. شوپنهاور می‌گوید خشم و پاسخ‌دادن به فرد توهین‌کننده یا کسی که سیلی زده، باعث می‌شود انسانی خام‌تر، افسار ما را به دست بگیرد و آن‌انسان خام مایل است فرد را با خود همسان و همتراز کند.

در مجموع در مورد هتک حرمت و آبروریزی، چه به‌طور عملی باشد چه کلامی، شوپنهاور بر آن است که این‌مساله می‌تواند هر مرد خردمندی را عصبانی، ناخشنود و بدگمان کند، ولی به‌هیچ‌وجه دخلی به آبروی او ندارد و آن را آماج خود قرار نمی‌دهد. او معتقد است آدم می‌تواند عصبانیت یا ملال خود را با واکنشِ در خور و سنجیده نسبت به موضوع از میان ببرد.

آگهی احضار (قرار تحریر ترکه)

با عنایت به درخواست خواهانها ۱- معصومه صدیق امراله ۲- ناهید صدیق امراله ۳- سکینه صدیق امراله ۴- سارا صدیق امراله همگی فرزند فتحعلی ۵- آسیه خانمرادی فرزند ابوطالب به وکالت خانم زهرا طاهری نیا به طرفیت خواندگان ۱- اصغر صدیق امر اله ۲- مصطفی صدیق امراله ۳-عباس صدیق امراله ۴- جواد صدیق امراله ۵- حسن صدیق امراله همگی فرزند فتحعلی با اجازه حاصله از مقررات ماده ۲۰۷ امور حسبی و صدور قرار تحریر ترکه ۱- مرحوم فتحعلی صدیق امر اله به شماره پرونده ۹۸۰۹۹۸۳۰۲۵۲۰۰۱۴۹ و شماره بایگانی ۹۹۰۰۱۴۹ و نیز به تجویز ماده ۲۱۰ قانون اعلام می گردد که هر یک از ورثه یا نماینده قانونی آنها، بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگری که حقی بر ترکه متوفی دارند در ساعت ۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۰ شعبه دوم شورای حل اختلاف به نشانی هشتگرد خیابان مصلی کوچه شهید رستم نژاد حاضر شوند. فلذا غیبت اشخاصی که احضار شده اند مانع از تحریر ترکه نخواهد بود./۲۹

رئیس شعبه ۲ شورای حل اختلاف شهرستان ساوجبلاغ ـ بهروز محجوب

++

آگهی افراز املاک مشاعی

برابر درخواست وارده به شماره ۱۳۹۹۰۰۰۰۰۳۰۰۶۳۸۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ آقای حسین سلطانی پور فرزند هاشم مبنی بر افراز از پلاک ثبتی ۱۷۸۲/۵۸ بخش ۴ آبادان که بموجب گواهی ماده ۲ قانون افراز مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ در پلاک ثبتی فوق الذکر می باشد و تقاضای افراز حصه خود از پلاک مرقوم را نموده است که طبق سوابق ثبتی دیگر مالکین مشاعی عبارت است از: ۱ـ آقای عبدالرضا منصوری پور فرزند خلیل که به علت عدم دسترسی به آدرس محل سکونت نامبرده در اجرای آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب سال ۱۳۵۸ و طبق ماده ۱۷ آیین نامه قانون اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا به موجب این آگهی به کلیه مالکین مشاعی ابلاغ می شود که راس ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۳۹۹/۴/۲۸ در محل وقوع ملک مورد افراز حضور بهم رسانید تا وفق مقررات و با رعایت حقوق مالکین مشاعی نسبت به انجام عملیات افراز اقدام گردد عدم حضور هر یک از مالکین مشاعی مانع از انجام عملیات افراز نخواهد بود و نتیجه افرازی مجددا جهت اطلاع عموم آگهی خواهد شد. م. الف/ ۱/۱۱۳

سرپرست ثبت اسناد و املاک آبادان ـ جودکی

++

الصاق آگهی مزایده (دستور به ضابط)

مزایده نوبت اول آگهی مزایده مال غیر منقول در نوبت اول در پرونده کلاسه ۹۷۰۶۸۸ در خصوص مطالبات له: مهسا بابائی علیه ، سعید هفت لنگی موضوع مطالبه مهریه از ماترک مرحوم داود هفت لنگی به تعداد ۵۱۴ سکه تمام بهار آزادی مقوم به ۰۰۰/۰۰۰/۰۷۹/۱۲ ریال ومبلغ ۰۰۰/۳۶۰۰/۳۶۱ ریال هزینه دادرسی و مبلغ ۰۰۰/۹۵۰/۶۰۳ بابت نیم عشر دولتی که پس از توقیف مال طی مراحل قانونی ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری ارزش اعیانی یک قطعه زمین اوقافی مبایعه نامه ای به پلاک ثبتی ۷۵ اصلی اراضی موقوفه بدر النساء خانم به متراژ ۹۲/۱۱۱۹ مترمربع واقع در شهریار امیریه بلوار امام رضا جاده کرد امیر چوب بری هفت لنگی با بنای احداثی شامل:۱- انبار به مساحت۸۰/۱۶۵ متر مربع ۲- سالن کارگاه ام دی اف کاری به مساحت ۳۰/۱۲۳ متر مربع ۳- قهوه‌خانه به مساحت ۴۸/۱۲۴ متر مربع ۴- نگهبانی به مساحت ۵۰/۳۳ متر مربع ب ۵- انبار چوب به مساحت ۰۰/۶۹ متر مربع ۶- انبار به مساحت ۹۰/۲۹ متر مربع ۷- یک واحد چوب بری ۸۰/۳۵ متر مربع ۸- یک واحد چوب بری به مساحت ۵۰/۲۷ متر مربع و دارای امتیازات آب برق و گاز می باشد سهم الارث آقای سعید هفت لنگی به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۸۰/۴ ریال معادل چهارصدو نودو هشت میلیون تومان (ارزش ششدانگ ملک ۰۰۰/۰۰۰/۴۳۰/۱۷ ریال ارزیابی گردیده) که سپس مقرر گردید در تاریخ ۹/۵/۱۳۹۹ از ساعت ۱۱ الی ۱۲ در محل اجرای احکام مدنی (خانواده) دادگستری شهریار سهم الارث آقای سعید هفت لنگی ازطریق مزایده به فروش برسد ، طالبین می‌توانند پنج روز جلوتر از تاریخ مزایده با اطلاع و هماهنگی این اجرا از اموال بازدید نموده و در صورت تمایل در تاریخ یاد شده در مراسم مزایده شرکت نمایند مزایده از قیمت پایه کارشناسی شروع و هر کسی بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید برنده مزایده شناخته شده و ۱۰ درصد از کل مبلغ فروش فی المجلس از خریدار اخذ و باقی پس از گذشت یک هفته وعدم وصول هر گونه اعتراضی از خریدار اخذ و کلیه اموال به وی تحویل خواهد شد. اموال توقیفی به شرح زیر می باشد:سهم الارث محکوم علیه از اعیانی یک قطعه زمین اوقافی مبایعه نامه ای به پلاک ثبتی ۷۵ اصلی اراضی موقوفه بدر النساء خانم به متراژ ۹۲/۱۱۱۹ متر مربع واقع در شهریار امیریه بلوار امام رضا جاده کرد امیر چوب بری داود هفت لنگی با بنای احداثی شامل ۱- انباری به مساحت ۸۰/۱۶۵ متر مربع ۲- سالن کارگاه ام دی اف کاری به مساحت ۳۰/۱۲۳ متر مربع ۳- قهوه‌خانه به مساحت ۴۸/۱۲۴ متر مربع ۴- نگهبانی به مساحت ۵۰/۳۳ متر مربع ب ۵- انبار چوب به مساحت ۰۰/۶۹ متر مربع ۶- انبار به مساحت ۹۰/۲۹ مترمربع ۷- یک واحد چوب بری ۸۰/۳۵ متر مربع ۸-یک واحد چوب بری به مساحت ۵۰/۲۷ مترمربع و دارای امتیازات آب برق و گاز می باشد که سهم الارث آقای سعید هفت لنگی از شش دانگ ملک فوق‌الذکر به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۹۸۰/۴ ریال (چهارصدو نودو هشت میلیون تومان) به فروش میرسد چنانچه روز مزایده مصادف با روز تعطیل گردید مزایده در فردای همان روز و ساعت انجام خواهد شد.

م الف ۸۰۸۴

مفقودی

برگ سبز خودروی وانت نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۹به شماره موتور ۵۶۴۹۵۶ شماره شاسی NAZPL۱۴۰TIN۲۷۱۱۷۲و شماره پلاک ۷۹۲ ق ۴۴ ایران ۶۵ بنام غلامحسین زاده زه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد./ شاهیندژ

++

آگهی فقدان

آقای مرتضی محرابی ضمن تسلیم دوبرگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش دانگ یک باب ساختمان بمساحت ۹۹۳/۶۰ متر مربع قطعه ــ تفکیکی به پلاک ۱۸۱۳۸فرعی از ۱۶۳ اصلی مفروزو مجری شده از پلاک ۵۸۴۴فرعی از اصلی نامبرده واقع در اراضی سر حدآباد جزء حوزه ثبتی شهرستان فردیس ذیل ثبت ۵۸۵۰۶۰ صفحه ۳۸۰ دفتر جلد ۱۳۷۲ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۱۰۱۹۵۱صادر گردید . سپس سند به علت سهل انگاری مفقود گردیده که مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است . لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰آئین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود ویا انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این ادراه تسلیم نماید بدیهی است پنانیه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود ویا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی برابر مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد ۲۲۳۹

محمد سلیمانی -رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان فردیس- از طرف محسن هدائی

++

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

بموجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۹۰۰۰۱۲ له خانم پریسا وحیدی فر فرزند منوچهر به شماره شناسنامه و کد ملی ۵۳۰۰۰۰۴۲۱۹ به نشانی شهمیرزاد ـ شهرک کلاهدوز خیابان ابوذر منزل منوچهر وحیدی فر علیه آقای آرش هاشمی پور فرزند علی به شماره شناسنامه ۹۴۰۶۰ و کدملی ۰۰۷۸۴۰۴۰۰۲ به نشانی مهدیشتر شهرک انقلاب کوچه پارسا پلاک ۲۱ منزل سیدعلی هاشمی پور به موجب سند ازدواج شماره ۷۲۲۲ مورخ ۱۳۸۶/۸/۳ تنظیمی در دفتر ازدواج شماره ۹ شهمیرزاد بابت وصول مهریه به تعداد یک هزار و دوازده عدد سکه تمام بهارآزادی (که برابر استعلام صورت گرفته و پاسخ به شماره ۱۷۱ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ اتحادیه صنف طلا و جواهر مهدیشهر قیمت هر سکه بهار آزادی را ۶۳،۱۰۰،۰۰۰ (شصت و سه میلیون و یکصد هزار) ریال اعلام نموده جمع یک هزار و دوازده عدد سکه به مبلغ ۶۳،۸۵۷،۲۰۰،۰۰۰ (شصت و سه میلیارد و هشتصد و پنجاه و هفت میلیون و دویست هزار) ریال می باشد و به انضمام کلیه خسارت و هزینه های اجرائی درخواست صدور اجرائیه نموده است که اجرائیه های صادره در مورخه ۱۳۹۹/۲/۶ ابلاغ